

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

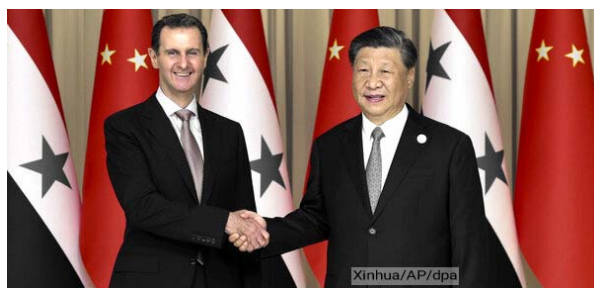
سیاسی

نویسنده: بردلی بلانکشیپ

فرستنده: علی کاظمی

۰۷ اکتوبر ۲۰۲۳

مقابله با امپریالیسم امریکا: مشارکت ستراتیژیک دمشق و بیجینگ



بشار اسد رئیس جمهور سوریه روز پنجشنبه هفته گذشته وارد هانگزو چین شد. این اولین سفر او به این کشور غول پیکر شرق آسیا از سال ۲۰۰۴ بود. مذاکرات با همتای چینی خود شی جین پینگ با اعلام “شرکت ستراتیژیک” بین دو کشور به اوج خود رسید.

با تضعیف مداوم درگیری که دوازده سال است در سوریه ادامه دارد و بازگشت این کشور به صحنه جهانی از طریق نهادهای چندجانبه منطقه‌ای، رسانه‌های بین المللی سفر اسد به چین را تلاشی برای شکستن انزوای دیپلماتیک دمشق توصیف کرده اند. برخی از مفسران غربی نیز از آنچه که آنها “عادی سازی شخص رئیس جمهور سوریه” می نامند، انتقاد کرده اند که آنها او را جنایتکاری جنگی می دانند.

با وجود این روایت های تحقیر آمیز، سفر اسد به طور عینی یک پیروزی برای هر کسی است که خواهان یک خاورمیانه با ثبات و امن است که با خواسته های سایر کشورهای منطقه نیز جور درمی آید. به عنوان مثال، عربستان سعودی سوریه را به اجلاس اتحادیه عرب دعوت کرده بود، اولین مشارکت اسد از زمان آغاز جنگ سوریه، نقطه عطفی برای به رسمیت شناختن بین المللی دولت دمشق است. مدت کوتاهی پس از آن، امارات متحده عربی سوریه را به اجلاس آب و هوایی COP28 دعوت کرد که اواخر امسال برگزار خواهد شد.

امریکا سنی ها را در برابر شیعیان قرار داد

این یک وضعیت بسیار شرم آور برای دولت های غربی، به ویژه برای ایالات متحده است که به دلیل سیاست ارتجاعی خود، عملاً خود را در غرب آسیا بدنام کرده اند. همان دولت های غربی بر سرنگونی دولت اسد با استفاده از همدستی

کشورهای منطقه و بهره برداری از تقسیم فرقه ئی در منطقه شرط بندی کرده بودند. به عنوان مثال، ایالات متحده از کشورهای عمدتاً سنی خلیج فارس برای درگیری نیابتی با ایران، که یک کشور عمدتاً شیعه است، استفاده کرد. با وجود شور و شوق این کشورها در آن زمان برای پیروی از خط ایالات متحده، واقعیت ها در میدان تغییر کرد. سرنگونی مطلوب دولت اسد تحقق نیافت، در حالی که سوریه پس از آن که داعش توانست بیشتر قلمرو سوریه را در اوج جنگ داخلی سوریه و در ایجاد خلافت خود در شام فتح کند، به کانون تروریسم تبدیل شد. در سال ۲۰۱۶، روسیه مداخله نظامی کرد، با داعش و دیگر نیروهای نیابتی تحت حمایت امریکا مقابله کرد و به حمایت از دولت متزلزل اسد پرداخت. بدون مداخله قاطع روسیه، دولت سوریه قطعاً سرنگون می شد و این کشور به مرکز تروریسم بین المللی تبدیل می شد. مسکو تصمیم درست را از نظر ستراتیژیک و اخلاقی با توجه به درخواست سوریه برای حمایت نظامی گرفت.

عادی سازی روابط میان عربستان سعودی و ایران

از سوی دیگر، ایالات متحده حاکمیت و قوانین بین المللی سوریه را با بمباران غیرقانونی این کشور و اشغال نظامی بخش هایی از آن، اساساً فضائی برای برای ایجاد آشوب و آشفتگی ایجاد کرده است. در همان زمان، در حالی که ایالات متحده در میان عملیات تغییر رژیم خود در سوریه علیه اسد بود، واشنگتن عملیاتی را برای انحلال داعش آغاز کرد. با توجه به تناقض ذاتی بین اهداف تعریف شده در واشنگتن – یکی توسط سیا و دیگری توسط پنتاگون – دو نیروی نیابتی تحت حمایت ایالات متحده، به اصطلاح “شورشیان میانه رو” علیه اسد و نیروهای محلی کرد در برخی موارد به جان هم افتادند. این واقعیت شرم آور در آن زمان توسط توماس مسی، نماینده کنگره امریکا تأیید شد و بعد توسط مطبوعات امریکائی گزارش شد.

در پایان این کابوس، کشورهای غرب آسیا به نتیجه روشنی رسیدند: اسد در قدرت باقی خواهد ماند و جایگزینی او نتایج بسیار بدتر خواهد داشت. این نیز شبیه به وضعیت یمن است، جایی که این جنگ به یک درگیری گسترده تر منطقه ئی و فرقه ئی تبدیل شده بود که هیچ پایان مشخصی در چشم اندازش دیده نمی شد. اما به لطف عادی سازی روابط دیپلماتیک بین عربستان سعودی و ایران، ریاض پایان مداخله خود در یمن را اعلام کرد و به طور مؤثر به این جنگ پایان داد. این یک وضعیت برد-برد برای همه در منطقه بود، همانطور که ادغام مجدد سوریه در همسایگی خود و در جهان بود.

فقط کشورهای غربی قادر به دیدن مه در درگیری هایی نیستند که آنها خود آن را تحریک کرده اند و نتیجه آن که قرار بود تغییر رژیم در سوریه باشد که شکست خورده است. در حالی که آنها نتوانستند اسد را در میدان جنگ از بین ببرند، در عوض خشم خود را متوجه مردم سوریه از طریق تحریم های شدید کردند و دمشق را با تحریم های غیر قانونی و غیر انسانی چند جانبه مجازات کردند. این اقدامات اساساً اصول حقوق بین الملل و دیپلماسی را نقض می کند و به اعتبار غرب در غرب آسیا نیز آسیب می رساند.

همکاری ستراتیژیک میان سوریه و چین

جهان درک می کند که مخالفت سرسختانه غرب با اسد هیچ ارتباطی با نقض حقوق بشر یا دولت استبدادی او ندارد. ما این را می دانیم زیرا دولت اسد شریک مهمی برای ایالات متحده در مراحل اولیه جنگ علیه تروریسم بود. علاوه بر این، یک بررسی توسط اینترسپت که در ۱۱ مه منتشر شد، نشان داد که ایالات متحده در سال ۲۰۲۲ به حداقل ۵۷

درصد از کشورهای “استبدادی” جهان سلاح فروخته است. این نشان می دهد که واشنگتن به وضوح مخالف گرایش های استبدادی نیست، تا زمانی که سودآور باقی بماند و در خدمت منافع خود باشد. از سوی دیگر، با اعلام همکاری ستراتیژیک بین بیجینگ و دمشق، چین اکنون متعهد شده است که منابعی را برای تسهیل بهبود اقتصادی سوریه پس از بیش از یک دهه جنگ همه جانبه فراهم کند. پس از این همه ظلم مردم سوریه سزاوار بازگشت به جامعه جهانی، بهره مندی از تحولات تمدن و شرکت در فعالیت های چند جانبه و بین المللی هستند. چه غرب بتواند آن را بپذیرد یا نه، دولت فعلی سوریه توسط سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است. سوریه می تواند به محور اصلی ابتکار بلندپروازانه کمربند و جاده چین (BRI) تبدیل شود که این کشور غرب آسیا در حال حاضر درگیر آن است و حمایت از دمشق در بازسازی و توسعه زیرساخت های پس از جنگ برای سوریه و چین سودمند خواهد بود.

پایان ماجراجویی امریکا در غرب آسیا

منتقدان در مسکو ممکن است دچار تعجب شوند که چگونه روسیه با ورود چین به حوزه نفوذ سنتی این کشور موافقت می کند؟ این نگرانی اشتباه خواهد بود. روسیه و چین به عنوان قدرت های نوظهور نقاط قوت و ضعف خود را دارند. وضعیت سوریه الگویی عالی برای هر دو کشور بوده است تا بر نقاط قوت خود تکیه کنند و از نقاط ضعف خود اجتناب کنند.

روسیه در بهترین موقعیت برای استفاده از نیروی نظامی در سوریه بود، چین نبود. از سوی دیگر، چین توانایی و منابع لازم برای بازسازی زیرساخت های بیمار سوریه را دارد – روسیه ندارد. هر دو عنصر برای نجات سوریه مورد نیاز بود و هیچ قدرتی در جهان نمی توانست هر دو را همزمان به شیوه ای امکان پذیر انجام دهد. علاوه بر این، مسکو و بیجینگ همکاری خود را در درجه اول بر رد یکجانبه گرایی تأسیس کرده اند. آوردن ایده حوزه های نفوذ به این بحث، حداقل تا حدی که قدرت های بزرگ ادعای انحصاری به کل مناطق دارند، می تواند پایه و اساس و در نتیجه روابط مهم بین دو کشور را تضعیف کند. همچنین لازم به ذکر است که چین به طور کامل ایده حوزه های نفوذ را حداقل به طور رسمی رد می کند.

مشارکت ستراتیژیک بین سوریه و چین قطعاً ضربه سختی به امپریالیسم امریکا است. باید امیدوار بود که روسیه و چین بتوانند مدل سوریه را تکرار کنند، اگر یک کشور مستقل بار دیگر هدف تغییر رژیم در آینده قرار گیرد تا از اصل حاکمیت دفاع کند، قوانین بین المللی را حفظ کند و یکجانبه گرایی را شکست دهد.

ترجمه شده از انگلیسی

بردلی بلانکنشپ یک روزنامه نگار، ستون نویس و مفسر سیاسی امریکائی است که در پراگ مستقر است. او یک ستون در CGTN دارد و یک خبرنگار آزاد برای خبرگزاری های بین المللی از جمله خبرگزاری شینهوا است. این را می توان در X زیر @BradBlank یافت.

بیشتر در مورد موضوع – جنگ کریدورهای اقتصادی: ترفند هند-خاورمیانه-اروپا